

حاشیه های جشنواره

جشنواره فیلم فجر امسال با نظم و انتظام بهتری نسبت به دوره های قبل درحال برگزاری است. قهیل برنامه ها و نمایش فیلم ها در ساعت معین برگزار می شود. جشنواره فیلم فجر برای پذیرایی از مهمانان نهایت صرفه جویی را پیشه کرده است.

ازبزرگی های این دوره از جشنواره فیلم فجر، حضور پررنگ فیلمسازهای جوان است. به طوری که امسال ۱۶ فیلم، نخستین تجربه کارگردانی فیلم سینمایی سازندگانش است. نکته ای که بارها از زبان برخی اعضای هیئت انتخاب جشنواره بروز یافته، کیفیت بالا و خلاقیت



موجود در این فیلم هاست. عدم حضور فیلم های «فرشته های قصاب» به کارگردانی سهیل سلیمی و مستند «میراث آلبرتای ۲» ساخته حسین شمقدری در بخش های اصلی جشنواره موجب شگفتی شده است. این درحالی است که کارشناسانی که این دو فیلم را دیده اند بر شاخص بودن این دو فیلم، منتق القول هستند. به ویژه فیلم «فرشته های قصاب» که آثری افشاگرانه درباره جنایات صهیونیست هاست. با توجه به اینکه جشنواره فیلم فجر، یکی از برنامه های بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می شود، جا دارد که به این گونه آثار توجه بیشتری شود.

نگاهی به فیلم «آقای الف»



آقای سه بعدی و دیگر هیچ!

■ علیرضا آل بعین

اولین تصویری که در جایی شبیه پرده سینما برای مردم نمایش داده شده گویا تصویری بوده از حرکت قطار یا مردی که باغبانی می کند و از این دست. فقط برای اینکه مردم با پدیده ای به نام سینما آشنا شوند. مردم هم آن روزها به عنوان یک پدیده عجیب و جذاب استقبال خوبی از آن کردند. اما سینمایی که در بدو ورود متکبرانه با مردم روبه رو می شود پس از مدتی عادی شده و سکه اش از رونق افتاد و غصه اش این شد که با کدام ترفند جماعت را به سالن تاریک سینما بکشاند.آن وقت به فکر این افتاد که به این تصاویر بی ربط و بی خاصیت داستان اضافه کند و بعد با یک طرح و توطئه حساب شده به داستان گره انداخت و برای اینکه تماشاجی از چنگش فرار نکند تملیق را پنا کرد. و بعد هم افتاد به جان صنعت سینما یعنی رنگ و نور و صدا و کیفیت تصویر و الخ ...

بالاخره بعد از های و هوی بسیار، اولین فیلم سه بعدی سینمای ایران هم رونمایی شد. فیلمی که صرفا برای آشنایی تماشاجی با سینمای سه بعدی ساخته شده است. کارگردان این فیلم اگر خودش را از چرخه یک خلاقیت تکراری بیرون می کشید شاید طبعش شکوفاتر می شد. نگاه و تصور فانتزی او به دنیای پس از مرگ در "آقای الف"هم به شکل فیلم قبلی او تکرار شده است. مسحور شدن کارگردان توسط فیلم قبلی چنان آشکار است که حتی نمی تواند از آوردن صحنه هایی از فیلم قبلی اش خودداری کند و در این فیلم از آن به عنوان یک فیلم خوب یاد می کند.خودشیفتگی

دکتر مجید شاه حسینی مطرح کرد

جشنواره فیلم فجر چگونه از مسیر خود خارج شد؟



که روی پرده سینما صنفی شکل می گرفت نشأت گرفته از روابط پشت سینما بود و از بدنه جامعه فاصله جدی می گرفت. در واقع آنها فکر می کردند که دست‌اندر کاران سینما جامعه آماری خوبی برای اجتماع هستند و رفته رفته اصحاب صنفی رسانه احساس کردند که نمایندگان ملت اند و همه شیوه های زندگی، رفتاری، اخلاقی که در زندگی خود تجربه می کردند تجریبات همه مردم ایران است. در واقع این نوع نگاه از یک خرده‌فرهنگ ناشی می شد و به همه مردم تعمیم داده می شد. شاه حسینی ادامه داد: این نوع نگاه در نیمه نخست دهه ۷۰ مطرح شد و در نیمه دوم از همین دهه به اوج خود رسید تا جایی که مثلا آنچه به عنوان مقوله حجاب روی پرده سینما قرار می گرفت با آنچه تلویزیون از آن ارائه می داد بسیار متفاوت بود. نتیجه این تفاوت نگاه از جنبه های مختلف این شد که نزدیک به دو دهه هم در آکران های عمومی و هم در جشنواره های عمومی فیلم فجر، همیشه حق با جوان های معترض خوش قیافه بود. سوی دیگربرگزاری مراسم های افتتاحیه و اختتامیه جشنواره فیلم فجر به گونه ای مهندسی می شد که افراد به شکل خیلی نظاممند تشریف فرما می شدند. بزرگان سینما را طی مراسم ویژه ای می آوردند و با مدل هایی که خاص خودشان بود به مراسم ها می آمدند و به شیوه خوش موافقت و مخالفت با فیلمها را اعلام می کردند.در کمال تعجب و تاسف هنوز هم خرده فرهنگ های صنفی بر مدیریت سینما حاکم است.

وی سپس به وضعیت مدیریت سینما در دهه ۸۰ پرداخت و اظهار داشت: در دهه ۸۰ سینما به دو شکل جلوه کرد. یکی تلاش برای بازگشت به مرام گذشته است و شکل دیگر اینکه سینما را متعلق به مردم ندانند بلکه متعلق به خرده فرهنگ هایی می دانستند که صدای سوت و کف زدن های آنها در مراسم افتتاحیه و اختتامیه بلند بود. وی در پایان تصریح کرد: جشنواره فیلم فجر در سی و یکمین دوره از برگزاری باید به تعریف جدیدی برسد؛ تعریفی که تنها متعلق به گروه خاص و محدودی از خردهفرهنگ های جامعه نباشد، بلکه همه مردم تجیب ایران را در بر گیرد.

نعل وارونه

■ آرش فهیم

سی و یکمین جشنواره فیلم فجر درحالی کار خود را آغاز کرد که از چند روز قبل از این اتفاق، رسانه های وابسته به دو جریان سیاسی، فضاسازی منفی و شدیدی را علیه آثار منتسب به سینمای متعهد و انقلابی ایجاد کردند . روزنامه ها، مجله ها و سایت های وابسته به دو گروه موسوم به اصلاح طلب ها و جریان انحرافی، طی هفته های اخیر، حملات شدیدی را علیه طیفی از فیلم های جشنواره سازمان دهی کردند. نکته قابل تأمل این بود که محتوا و سوگیری و حتی برخی از عبارات این مطالب به قدری به هم شباهت داشت که گویی سه صورت هماهنگ و سفارش داده شده نوشته و منتشر شدند.

ماجرا از این قرار است که این رسانه ها، طی این مدت

و هیچان زدگی کارگردان در این فیلم هم از طرز تیتراژ آن کاملا هویداست. زیر اسم هر یک از بازیگران و عوامل نوشته شده مثلا، بازیگراولین فیلم سه بعدی ایران .

کارگردان «آقای الف» فراموش کرده که حتی یک فیلم سه بعدی هم نیاز به فیلمنامه دارد. اما فیلمنامه این فیلم کمی ضعیف تر از تله فیلم های دست چندم سیماست. یک قصه تکراری که از ابتدا تا انتهایش را مخاطب از بر است. به کسی خبر می دهند که تا دو هفته دیگر خواهی مرد و او طی این دوهفته تغییر می کند و کار خوب می کند و ... نمی میرد. اینکه پایان داستان در ابتدا لو رفته باشد را گناه ناخوشدونی فیلمنامه نباید دانست اما اینکه برای همراه کردن بیننده در فیلمنامه ترفند دیگری پی ریزی نشده باشد غیر قابل تحمل است. البته چنان که گفته شد فیلم دلش را خوش کرده است به سه بعدی بودنش. اما عجیب اینکه برای استفاده از ظرفیت های سینمای سه بعدی نیز تلاشی صورت نگرفته است. فیلمساز که این قدر بر سه بعدی بودن فیلمش تاکید دارد می توانست با میزانشن و کار بندهای دقیق تر جلوه های سه بعدی بودن فیلم را بیشتر به رخ بکشد تا مجبور نباشد چپ و راست اشیاء را پرت کند به سمت تماشاچی.

با ورود سینمای ایران به دنیای سه بعدی حالا باید نگران این بود که همه عناصر یک فیلم

که می تواند باعث جذابیت آن باشد فدای تصویر سه بعدی شود و از هول حلیم برگردیم به اولین فیلم های تاریخ سینما.

در آستانه دهه فجر این پرسش مطرح می شود که آیا فرهنگ و هنر امروز کشور در قد و قواره ارزش های انقلاب اسلامی و گفتمان امام و رهبری است؟ آیا هنر کشور موجبات ارتقاء و اعتلای فرهنگ عمومی جامعه را فراهم کرده است؟ آیا سینمای ما به طرف شایسته شده است؟ درباره وضعیت سینمای ایران با مینو اصلانی ، ریاست سازمان بسیج جامعه زنان کشور گفت و گویی کرده ایم که می گویند :

شما به عنوان مسئول

یکی از نهادهای انقلابی و فرهنگی ، وضعیت سینمایی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

رسانه احساس کردند که نمایندگان ملت اند و همه شیوه های زندگی، رفتاری، اخلاقی که در زندگی خود تجربه می کردند تجریبات همه مردم ایران است. در واقع این نوع نگاه از یک خرده‌فرهنگ ناشی می شد و به همه مردم تعمیم داده می شد.

شاه حسینی ادامه داد: این نوع نگاه در نیمه نخست دهه ۷۰ مطرح شد و در نیمه دوم از همین دهه به اوج خود رسید تا جایی که مثلا آنچه به عنوان مقوله حجاب روی پرده سینما قرار می گرفت با آنچه تلویزیون از آن ارائه می داد بسیار متفاوت بود. نتیجه این تفاوت نگاه از جنبه های مختلف این شد که نزدیک به دو دهه هم در آکران های عمومی و هم در جشنواره های عمومی فیلم فجر، همیشه حق با جوان های معترض خوش قیافه بود.

سوی دیگربرگزاری مراسم های افتتاحیه و اختتامیه جشنواره فیلم فجر به گونه ای مهندسی می شد که افراد به شکل خیلی نظاممند تشریف فرما می شدند. بزرگان سینما را طی مراسم ویژه ای می آوردند و با مدل هایی که خاص خودشان بود به مراسم ها می آمدند و به شیوه خوش موافقت و مخالفت با فیلمها را اعلام می کردند.در کمال تعجب و تاسف هنوز هم خرده فرهنگ های صنفی بر مدیریت سینما حاکم است.



در گزارش های خود، هر فیلمی را که موضوعی مرتبط با دفاع مقدس یا مفاهیم انقلابی دارد را با نسبت هایی چون سفارشی، دولتی، شعاری و ... تخطئه کردند. نکته جالب این است که این فیلم ها هنوز اکران نشده اند اما رسانه های زنجیره ای و انحرافی –که مواضع فرهنگی شان به شدت به هم نزدیک شده است- نه تنها این فیلم ها را نقد که درباره نظر منتقدان و میزان استقبال مردم از این آثار نیز گزارش می دادند!این رسانه ها همچنین به شدت در پی القای این بود که محتوا و سوگیری و حتی برخی از عبارات این مطالب به قدری به هم شباهت داشت که گویی سه صورت هماهنگ و سفارش داده شده نوشته و منتشر شدند.

آنچه نشریات و سایت های وابسته به این جریان های

سیاسی را به چنین فضاسازی هایی وادار کرده، برتری فیلم های جریان سینمایی متعهد نسبت به فیلم های سخیف و شبه روشنفکری در دوره قبلی جشنواره فجر بود. به نظر می رسد که این اتفاق امسال هم رخ دهد و بار دیگر این آثار انقلابی و دفاع مقدسی خواهند بود که اعتبار انقلابی در جشنواره فجر برنده جایزه ای شدند به خاطر فشار بر داوران خواهد بود!

آنچه نشریات و سایت های ومنتأسفانه برنامه سینمایی سیما

سفارشی یا دولتی بودن ملاک نفی یک فیلم است، پس باید کل تاریخ سینما را زیر سؤال برد، چون خیلی از شاهکارهای این تاریخ، سفارشی و دولتی بوده اند.

این تناقض ها همه گویای این است که تخریب فیلم های ارزشی از سوی جریان لیبرال، نوعی نعل وارونه است برای توجیه بی آبرویی ها و سقوط های فیلم های تجاری و شبه روشنفکرانه. آن ها به خوبی شاهد زایش دوباره سینمای انقلاب اسلامی هستند و

فیلم های سفارشی و ایدئولوژیک هالیوودی هستند. کافی است به آرشسویو این رسانه ها مراجعه نمود و مشاهده کرد که کارنامه آن ها ملو از تعریف و تمجیدهای مبالغه آمیز از امثال «جیمز باند» و «شوالیه تاریکی» است. یعنی دقیقا تبلیغاتی ترین فیلم ها برای دولت های غربی. این منتقدان محترم چگونه هم سینمای سفارشی را محکوم می کنند و هم «جان فورد» را که فیلم هایش را به سفارش سازمان سیا می ساخت هدف ستایش قرار می دهند؟ اگر

گفت وگو با مینو اصلانی ریاست سازمان بسیج جامعه زنان کشور

سینما دین خود را به امام و شهدا ادا نکرده است

تولید کنندگان با ارزش ها و مضادیک سسملیک معرفی آن در قالب هنر آشنا شوند .

حرف آخر را اول ز دم ما

از سینمای کشور مطالبه جدی داریم و آن ادای دین به ارزش های انقلاب ، امام ، رهبری و شهادت. امیدواریم سینمای کشور، سینمای رشیدی شود و این مهم به شایستگی محقق شود .

کوتاه از نشست های پرسش و پاسخ فیلم ها



فرامرز قریبیان در نشست فیلم «کناهاکاران» گفت: ژانر این فیلم، پلیسی-اجتماعی است. متأسفانه رسم شده در فیلم‌های پلیسی تیراندازی و اکشن زیادی ببینیم. اما این فیلم پلیسی، معنایی است و در آن قتلی اتفاق افتاده که پلیس به دنبال قاتل است.

سید های محقق کارگردان فیلم «و خوب سنگ می زند» در نشست فیلم خود گفت: ایده این فیلم مربوط به دوران کودکی ام و اتفاقی که برای برادرم رخ داد است.ابراهیم اصغر زاده، تهیه کننده فیلم نیز اظهار داشت: دلیل ساخت فیلم " او تقویمی و سن رشد یکی شوند و با حداقل فاصله شان کم شود؟ نظرات را قوی تر کنیم یا فضا را تنگ تر ؟

دقیقا بزرگ ترین اشتباه کسانی که به دنبال اصلاح وضعیت هنری کشور هستند؛ همین است که می پندارند: نظرات

یعنی وضع قیود دست و پا گیر که فقط تولید گران جوان را در پیچ و خم قواعد بوروکراتیک می کشد و نظرات نیازمند رابطه می کند ، نظرات نیازمند رابطه می کشد و نظراتی را سرگرم می کنند و لاغیر . یعنی وقت ها نمی دانیم چه می شود که یک فیلم همه این مسیرها را دور می زند و سرر از اکران عمومی

است؟بزرگ است اما حقیقی است،وقتی هزینه یک فیلم توسط یک کمیانی غربی پرداخت می شود آیا می شود

■ منیره غلامی توکلی



به صرف وجاهت و سابقه هنری تولید کننده و البته تهیه کننده به مدح می نشینند نه نقد بر اساس اصول و ملاک های لاتعیتر دین مبین اسلام و یا ...

راه حل چیست و چه باید کرد ؟

راه حل تشریک مساعی هنرمندان و مدیران فرهنگی با نخبگان و کارشناسان خبره درد آشنا و متخصص است . راه برون رفت از ساخت فیلم هایی که نهیب رجعت مفتضحانه به سال ها است و پیش از انقلاب را می دهد در دو چیز است اول اینکه باید بپذیریم که وضع موجود مطلوب انقلاب نیست و از تعصب بپرهیزیم ، بدانیم که نقد سه وضع موجود است نه مسئولین موجود و آنچه امروز شاهدیم نتیجه تساهل و تسامح چندین ساله است و

البته سینما باید سریع تر خود را به حد نمره قبولی برساند و دوم اینکه باید ایده های ناب و نورا در جهت فیلم سازی و نگارش فیلم نامه در اتاق های فکر سینمایی بارور سازد .

شاید خوشبینانه به نظر برسد اما من بخش عمده ای از نقایض موجود را متوجه دست های خالی تولیدگران فیلم نامه های ارزشی می دانم . در این بین بخشی از مشکلات هم به گردن کسانی است که فقط به کمیت نگاه می کنند ؛ این که ایران جزو باشگاه ۵۰ تایی باشد و بماند. تولید رقم بیش از ۵۰ فیلم در سال زمانی برای سینمای کشور افتخار به همراه می آورد که محتوای فیلم ها نیز حرفی نو برای مطرح کردن داشته باشد .

یعنی الان این اتاق های فکر وجود ندارد؟

البته که وجود دارد اما نه در چههه حق بلکه در چههه باطل و آنسوی مرزا.

این موضوع بزرگی است؟

بزرگ است اما حقیقی

منکر تولید فکر و محتوای برای فیلم شد؟

در بخشی از صحبت ها مطرح کردید : تشریک مساعی تخیگان و هنرمندان یگانه راه حل است ، پس با این وضع می پذیرید که بخشی از مشکلات متأثر از بی تفاوتی نخبگان و کارشناسان به سینما است ؟

بله تا زمانی که نخبگان و دغدغه مندان با سینما آشتی نکنند و دست این طفل گریز پای را نگیرند امیدوی به سربراه شدنش وجود ندارد . نخبگان، طفل ناتوان سینمای کشور را به حال خود رها کرده اند تا دیگران او را به هر سو که خواست بکشانند . همه ما نسبت به سرنوشته و آینده این طفل که معرف خانواده فرهنگ و هنر کشور است ، مسئول هستیم البته نباید از نظر دور نگاه داشت که همه بی تفاوت نیستند ، بلکه عده ای مدخل و مجرای ورود را نمی یابند و برخی از پیشکسوتان هنری نیز با سینما آن هم به خاطر فیلم نامه های ضعیف و سخیف آن قهر کرده اند .

چرا می گویند : "طفل سینمای کشور" در حالی که باید گفت : "جوان سی و چند ساله" ؟

به قول متخصصان ما برای تعیین رشد بودن سینمای کشور سنج تقویمی را در نظر نمی گیریم بلکه سن بلوغ فکری و عقلی را مد نظر قرار می دهیم . **چه باید کرد که سن تقویمی و سن رشد یکی شوند و با حداقل فاصله شان کم شود؟ نظرات را قوی تر کنیم یا فضا را تنگ تر ؟**

دقیقا بزرگ ترین اشتباه کسانی که به دنبال اصلاح وضعیت هنری کشور هستند؛ همین است که می پندارند: نظرات یعنی وضع قیود دست و پا گیر که فقط تولید گران جوان را در پیچ و خم قواعد بوروکراتیک می کشد و نظرات نیازمند رابطه می کند ، نظرات نیازمند رابطه می کشد و نظراتی را سرگرم می کنند و لاغیر . یعنی وقت ها نمی دانیم چه می شود که یک فیلم همه این مسیرها را دور می زند و سرر از اکران عمومی

است؟بزرگ است اما حقیقی است،وقتی هزینه یک فیلم توسط یک کمیانی غربی پرداخت می شود آیا می شود